



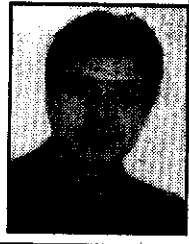
سید احمدی

کوشش

شماره ۷۳۳ - اردیبهشت ۸۴

۲۰

# پایان اشغالگری در لبنان



محمد فتحي  
کارشناس مسائل بین الملل

حزب الله لبنان با خلع سلاح گروههای شبه نظامی مخالفت کرده و خواستار ادامه حضور نظامی سوریه در این کشور شده است

در مهر ماه سال گذشته شورای امنیت سازمان ملل با ۹ رای موافق و ۶ رای مخالف قطعنامه ۱۵۵۹ را که از حمایت فرانسه و آمریکا برخوردار بود در باره دخالت‌های سوریه در لبنان و وضعیت این کشور تصویب کرد.

در این قطعنامه که بر خروج نیروهای خارجی از جمله سوری‌ها از لبنان، احترام به حق حاکمیت ملی، برگزاری انتخابات آزاد ریاست جمهوری و خلع سلاح کلیه نیروهای شبه نظامی تأکید شده بود مشخص بود که قرار است دمشق تحت فشار قرار گرفته و نیروهای نظامی و امنیتی خود را از لبنان خارج سازد. به همین دلیل روزی که قطعنامه ۱۵۵۹ در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید این تصور برای بسیاری به وجود آمد که این قطعنامه هم مثل بسیاری از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل به فراموشی سپرده شده و هیچ تغییری در وضعیت سوریه در لبنان به وجود نخواهد آورد. در حالی که امروزه با انتفاضه‌ای که در لبنان آغاز شده و وادار شدن سوریه به خارج ساختن تدریجی نظامیان خود از این کشور، قدرت مردم لبنان و اهمیت قطعنامه ۱۵۵۹ آشکار شده است. به گونه‌ای که اگر دمشق و دولت لبنان به خواسته‌های مردم این کشور تن ندهند اوضاع کاملاً دگرگون شده و زمینه برای یک جنگ داخلی ویرانگر مهیا خواهد شد.

نگاهی به مفاد قطعنامه ۱۵۵۹ و مواضع مختلفی که در این رابطه گرفته شد نشان از این مساله دارد که مردم لبنان که از سال‌ها قبل کشورشان در اشغال نظامیان اسرائیل و سوریه قرار داشته فرصت طلایی برای کسب آزادی و استقلال بدست آورده‌اند. به همین دلیل باید با یکپارچه کردن صنوف خود، راه را برای استقرار دموکراسی در کشورشان هموار کرده و کشورشان را از اشغال ارتش‌های بیگانه خارج سازند. از سال‌ها قبل، مردم لبنان نسبت به اشغال

کشورشان توسط ارتش‌های اسرائیل و سوریه معترض بودند. در دوران نخست‌وزیری باراک در اسرائیل، ارتش این کشور، جنوب لبنان را تخلیه کرد ولی ارتش سوریه که از سال ۱۹۷۶ به پهنانه متوقف ساختن جنگ داخلی با مجوز اتحادیه عرب وارد این کشور شده وضعیتی به مراتب خطرناک‌تر و مناخله‌گرانه‌تر از ارتش اسرائیل به خود گرفته و توانسته نبض اقتصاد، سیاست و پارلمان و دولت را در لبنان در دست بگیرد به گونه‌ای که پارلمان، دولت و ریاست جمهوری در لبنان تابع محض سوریه بوده و باید از سوی دمشق تأیید شده و وابسته به حزب بعث سوریه باشند. به همین دلیل مرزهای لبنان به روی سوریه باز است و این کشور دارای سفارتخانه در سوریه نیست زیرا سوریه، کشور لبنان را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت نمی‌شناسد و آن را بخشی از شام بزرگ به حساب می‌آورد که باید از اوامر دمشق تبعیت کند.

روشی که سوریه در لبنان پیش گرفته به گونه‌ای بود که لبنانی‌ها به منزله‌ی شهروندان درجه دوم سوری تلقی شده و موظف بودند تمامی فعالیت‌ها و اقداماتشان را با دمشق هماهنگ سازند. لذا در تمامی این سال‌ها که سرنوشت لبنان و لبنانی‌ها در دمشق از سوی بعضی‌ها رقم می‌خورد به جرات می‌توان اعلام کرد کسانی در رأس امور قرار گرفته و اجازه فعالیت داشتند که خود را با سوریه هماهنگ کرده و از سیاست‌های آنها پیروی می‌کردند. در این میان اگر کسی و یا حزبی پیدا می‌شد که مایل به سرسپردگی به سوریه نبود و نمی‌توانست چشم‌های خود را به روی جنایات سوریه و عوامل این کشور در لبنان ببندد، به سرنوشت رفیق حریری نخست‌وزیر پیشین این کشور دچار می‌شد که جان بر سر اعتقاد و عقیده خود گذارده و با خون خود از آرمان‌ها و اهدافش دفاع کرد به گونه‌ای که خون رفیق حریری پرچمی برای افشای ماهیت جنایتکارانه‌ی شد که سرزمین



لبنان را تیول خود دانسته و تصور می کردند که این سرزمین هم یکی از استان ها و ایالات سوریه است.

## ماجرای قطعنامه ۱۵۵۹

سوریه که از طریق عوامل خود در لبنان توانسته بود اشغال این سرزمین و حضور نظامی در لبنان را مشروع جلوه دهد برای حفظ موقعیت خود نیاز به حفظ این افراد در قدرت داشت. در این راستا با توجه به زمزمه های مخالفی که رفیق حریری در سمت نخست وزیر از خود بروز داده بود، دمشق سعی می کرد موقعیت نیبه بری را در سمت ریاست پارلمان و امیل لحود در مسوولیت ریاست جمهوری لبنان را تثبیت کند تا آنها بتوانند جاده صاف کن سوریه در کشورشان باشند. در همین رابطه مقامات سوری خواستار تغییر قانون اساسی برای تمدید مدت ریاست جمهوری امیل لحود شدند. این خواسته سوریه با حمایت رییس جمهوری و رییس مجلس و تعدادی از نمایندگان، وزرا و احزاب لبنانی که متمایل به دمشق بودند از جمله حزب الله و جنبش امل مواجه شد اما رفیق حریری در اعتراض به این موضع از نخست وزیری استعفا داده و همراه با رهبر مذهبی مارونی ها و ولید جمبلاط رهبر دروزی ها جبهه مشترکی را علیه اقدامات سوریه و دوستانش تشکیل دادند. در این شرایط که چالش ادامه داشت فرانسه و آمریکا قطعنامه ۱۵۵۹ را به شورای امنیت سازمان ملل ارایه کرده و به تصویب رساندند تا مانع دخالت های سوریه در امور داخلی لبنان شوند. چالش بین طرفداران و مخالفین سوریه در لبنان و جامعه بین المللی اوضاع را روز به روز وخیم تر می کرد.

در قطعنامه ۱۵۵۹ که با آرای مثبت فرانسه، انگولا، بنین، انگلستان، شیلی، آلمان، رومانی، اسپانیا و آمریکا به تصویب رسید بر این مساله تاکید شده بود که انتخابات آتی ریاست جمهوری

لبنان، آزاد و سالم، مطابق با قانون اساسی موجود و بدون دخالت خارجی برگزار شود. هم چنین بر خلع سلاح تمامی گروه های شبه نظامی لبنانی و غیر لبنانی تاکید و از توسعه سلطه کامل دولت بر تمامی اراضی لبنان حمایت شده بود. شورای امنیت خروج نیروهای خارجی از لبنان را خواستار شده و از دبیرکل سازمان ملل خواسته بود پس از یک ماه قطعنامه را به اجرا بگذارد.

این قطعنامه که خواسته قلبی مردم لبنان را آشکار می ساخت با واکنش های ضد و نقیضی مواجه شد بطوری که مخالفین حضور اشغالگرانه سوریه در لبنان به شدت از آن استقبال کردند ولی طرفداران سوریه به انتقاد از آن پرداختند. جان دانفورس نماینده آمریکا در سازمان ملل در باره قطعنامه مزبور اعلام کرد که "این به خاطر آن است که دولت سوریه اراده سیاسی خود را بر لبنان تمهید کرده است."

هم چنین اسکات مک کلان سخنگوی کاخ سفید در بیانیهای در باره تمدید دوران ریاست جمهوری امیل لحود اعلام کرد "این اقدام، شکست دموکراسی در لبنان محسوب می شود و این امر بر اساس فشارهای نیروهای اشغالگر در لبنان و بر خلاف خواسته های مردم این کشور صورت گرفته است."

در همین حال پارلمان لبنان که تحت کنترل سوریه قرار داشت دوران ریاست جمهوری لحود را برای ۳ سال دیگر تمدید کرد. "رفیق شلالا" سخنگوی ریاست جمهوری این کشور در این ارتباط گفته بود: مجلس نمایندگان لبنان با تصویب تمدید ریاست جمهوری امیل لحود بار دیگر اعتماد عملی خود را نه فقط به شخص لحود و مواضع وی بلکه به استراتژی ملی که لحود طی ۶ سال گذشته در پیش گرفته به اثبات رساند.

مخالفین سوریه با استعفای رفیق حریری از نخست وزیری، اعتراض خود را به گوش جهانیان

رساندند. وقتی که پس از توافق سوریه و لبنان، عمر کرامی که از مهره های وابسته به دمشق بود مامور تشکیل کابینه شد دخالت این کشور در امور داخلی لبنان آشکارتر شد.

ژان عبید وزیر خارجه لبنان نیز با صدور بیانیهای علیه قطعنامه ۱۵۵۹ موضع گرفت و اعلام کرد: مناسبات سیاسی-اقتصادی و امنیتی بیروت با دمشق و حضور نظامی سوریه در لبنان هم سو با قوانین بین المللی است و این مناسبات منافع و امتیازهای مفیدی را برای این کشور به دنبال داشته است. هم چنین محمد عیسی دبیر کل وزارت امور خارجه سوریه هم گفت: سوریه به درخواست بیروت و به منظور حفظ ثبات و امنیت این کشور نیروهای خود را به لبنان اعزام کرده است.

هم چنین نمایندگان ۲۵ حزب و گروه سیاسی لبنان در در دفتر اقتصادی سازمان ملل در بیروت حضور یافته و به مخالفت با دخالت آمریکا و فرانسه در امور کشورشان برخاستند. ولی در این میان دو حرکت آشکارتر از همه بود. استعفای رفیق حریری که مواضع مخالفین سوریه را تقویت کرد و حمایت سید حسن نصرالله و جنبش امل که پرده از ادامه اشغالگری کشورشان توسط سوریه برداشت.

**قطعنامه ۱۵۵۹ بر خروج ارتش سوریه از لبنان و خلع سلاح گروه های شبه نظامی تاکید دارد**

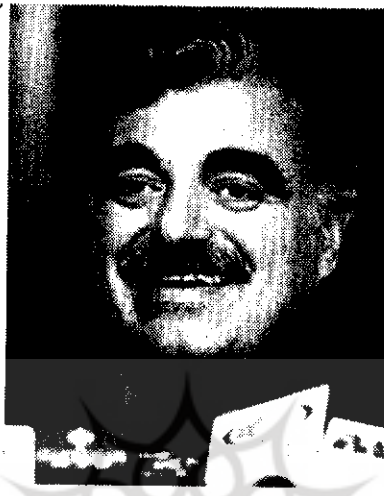
مخالفت امیل لحود و یا ژان عبید وزیر خارجه لبنان از قطعنامه ۱۵۵۹ قابل توجه بود اما مواضعی که سران حزب الله و امل اتخاذ کردند غیر منطقی به نظر می رسد زیرا این دو حزب برای مقابله با اشغالگری کشورشان شکل گرفته بودند. اگر نگاهی به مواضع اولیه این دو حزب که توسط شهید سید عباس موسوی، امام موسی صدر و شهید دکتر چمران اعلام شده بیندازیم با این واقعیت مواجه خواهیم بود که هدف آنها از ایجاد این سازمان های سیاسی- نظامی مقابله با اشغالگری بوده است اما متأسفانه آنها ماهیت آزادیبخش خود را فراموش کرده و به توجیه گران اشغال کشورشان توسط نظامیان سوریه تبدیل شده اند به گونه ای که در مقابل مردمی که خواستار استقلال و آزادی کشورشان هستند ایستادگی کرده و مقاومت می کنند. در این رابطه حتی سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله برای ادامه اشغال کشورش توسط سوری ها خواستار همه پرسی می شود و تصور می کند که مردم لبنان که در این سال ها با انواع تحقیر و فشار از جانب نظامیان و نیروهای امنیتی سوریه مواجه بوده اند به ادامه اشغالگری رای می دهند.

### تُرور رفیق حریری و تشدید مخالفت ها

تُرور رفیق حریری در روزی که قرار بود پارلمان لبنان در باره وضعیت سوری ها در این کشور مذاکره و تبادل نظر کند ضمن این که بار دیگر ماهیت تروریستی سوریه و حامیانش را در لبنان آشکار ساخت، موجی از خشم را نیز در پی داشت به طوری که این حادثه ضدیت مردم لبنان را با اشغالگری سوریه و متحدانش چند برابر کرد. پس از آن لبنان به صحنه رویارویی سیاسی طرفداران و مخالفین سوریه تبدیل شده و مرکز بیروت کانون گردهمایی آنها شد. در گردهمایی طرفداران سوریه که به دعوت سید حسن نصرالله صورت گرفته بود دبیر کل حزب الله اعلام کرد که لبنان، سومالی یا گرجستان و اوکراین نیست و هیچ قدرتی نمی تواند این کشور را از سوریه جدا کند. زیرا سوریه در گذشته و حال لبنان حضوری قوی داشته و در آینده نیز خواهد داشت. او می افزاید: ما مردمی ناسپاس نیستیم و اگر اندکی معدود ناسپاسی می کنند ناشی از بی ادبی و بی فرهنگی آنهاست.

هدف از این اقدامات که در پشتیبانی از اشغالگری سوریه صورت گرفت پامال کردن خون رفیق حریری و نادیده گرفتن خواسته مردم بود. به همین دلیل دبیر کل حزب الله اکثریت مردم لبنان را که خواستار خروج سوریه بودند ناسپاس،

### تُرور رفیق حریری لطمه ای اساسی به اعتبار سوریه و متحدانش در لبنان وارد آورد



بی ادب و بی فرهنگ نامیده و به تعریف و تمجید دمشق می پردازد.

در همین حال با خلع سلاح حزب الله و دیگر شبه نظامیان مخالف کرده و به این ترتیب عملاً در مقابل مردم ایستادگی می کند. امیل لحود رییس جمهوری لبنان نیز که همصدا با سید حسن نصرالله با خلع سلاح شبه نظامیان مخالفت می کند بار دیگر عمر کرامی را مأمور تشکیل کابینه می کند که این اقدام اعتراضات مردم لبنان و جامعه جهانی را در پی داشت. عمر کرامی که پس از ترور حریری استعفا داده بود برای جلب رضایت مخالفان بر تشکیل یک دولت آشتی ملی تأکید می کند. این اقدام امیل لحود در حقیقت ذهن کجی به مردمی است که مایل به ادامه حکومت عوامل سوریه در کشورشان نبودند. حمایت حزب الله و امل از نخست وزیر مجدد عمر کرامی با این موضع همراه بود که آنها اعلام کردند: مخالفان دولت نباید به حمایت خارجی دل ببندند و به جای آن باید با شرکت در کابینه وحدت ملی زمینه را برای تفاهم و همکاری فراهم سازند. ولی ولید جمیلاط رهبر دروزی ها باز گرداندن کرامی را به نخست وزیر صریحاً تهدید بحران و خودداری از گوشدن باب مذاکره دانست و شخصیت ها و گروه های مسیحی مخالف نیز با انتشار بیانیه ای اعلام می دارند: این اقدام نشانه ی پافشاری سوریه بر ادامه قیمومیت و وابستگی لبنان به آن کشور است

که چنین امری پذیرفتنی نیست. بر اساس بیانیه مزبور، مأمور شدن مجدد کرامی برای تشکیل کابینه، هم چنین تردیدهایی در باره تصمیم سوریه به خارج ساختن نیروهایش از لبنان ایجاد می کند. آنچه بیش از همه برای آینده لبنان خطرناک است و لحود به همراه حزب الله و امل به آن دامن می زنند سوق دادن این کشور به سوی یک جنگ داخلی ویرانگر است تا توجیه کننده ادامه حضور غاصبانه سوریه باشد. در این رابطه امین جمایل رییس جمهوری پیشین لبنان صراحتاً اعلام می دارد که بازگشت کرامی به صحنه سیاسی، کشمکش سیاسی در لبنان را تشدید خواهد کرد. ضمناً غازی عریفی از وزرای پیشین وابسته به جناح جمیلاط هم می گوید: ما بار دیگر به دامی که برای ما پهن کرده اند گرفتار نمی شویم. تشکیل کابینه با چنین شیوه ای به معنای ادامه سیاست کابینه قبلی است. در نهایت کرامی جای خود را به میقاتی می دهد.

تأکید فرانسه و روسیه بر اجرای قطعنامه ۱۵۵۹ و درخواست عربستان، مصر، روسیه و انگلیس از سوریه برای خارج کردن نیروهایش از لبنان حساسیت قضیه را آشکارتر ساخت که در نهایت بشار اسد جوان را وادار به تصمیم گیری در باره خارج ساختن نیروهایش از این سرزمین کرد. در پی ملاقات بشار اسد و امیل لحود برنامه خروج ارتش سوریه از لبنان اعلام شد که بر این اساس قرار شد ابتدا نیروهای سوریه به دره بقاع عقب نشینی کرده و پس از آن راهی مرزهای مشترک دو کشور شوند. بشار اسد که طی سخنانی در پارلمان سوریه قطعنامه ۱۵۵۹ را پذیرفته بود مدعی می شود که این قطعنامه دخالت طرف های بین المللی را در لبنان پی ریزی کرده و مخالف میثاق سازمان ملل است. او عقب نشینی از لبنان را به نفع سوریه دانست اما اعلام کرد ما نگران آن هستیم که اجرای این قطعنامه بر لبنان اثر منفی داشته باشد.

در همین حال مخالفین سوریه در لبنان که در راس آنها ولید جمیلاط رهبر دروزی ها قرار داشت در بروکسل با مقامات اتحادیه اروپا ملاقات و تبادل نظر می کنند آنها پیشنهادهایی شامل تحقیق در باره مسوولین مرگ رفیق حریری، برکناری رییس دستگاه امنیتی لبنان، تشکیل یک دولت بی طرف انتقالی پیش از برگزاری انتخابات، اعزام ناظران بین المللی و عقب نشینی کامل ارتش سوریه از لبنان را ارایه کردند در حالی که سید حسن نصرالله که در دوران دبیر کلی خود استقلال حزب الله را فنای وابستگی به سوریه کرد صراحتاً به مخالفت با قطعنامه پرداخته و بر این

مساله تاكيد می‌كند كه حزب الله سلاح خود را زمین نمی‌گذرد.

### توافق نامه طائف

با حمله فالانژها به یک اتوبوس حامل فلسطینی‌ها در منطقه عین الرمانه بیروت در سال ۱۹۷۵ جنگ داخلی در این کشور آغاز شد که ۱۵ سال طول کشید و طی آن به گزارش وزارت امور اجتماعی لبنان ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر کشته و ۳۰۰ هزار نفر مجروح شدند. از دیگر عوارض جنگ داخلی مهاجرت حدود ۹۰۰ هزار نفر از جمعیت لبنان به خارج از این کشور و اشغال آن توسط ارتش سوریه بود که تا امروز ادامه دارد در حالی که چندین سال از پایان جنگ داخلی و حتی خروج اسرائیل از بخش‌های اشغالی جنوب لبنان می‌گذرد اما ارتش سوریه به همراه نیروهای امنیتی این کشور به حضور غاصبانه خود در لبنان ادامه داده و بر خلاف خواسته مردم، این سرزمین را به اشغال خود در آورده‌اند.

سیستم حکومتی لبنان قبیله‌ای بوده و پست‌های مهم دولتی نیز بر اساس نظام قبیله‌ای تقسیم شده است به طوری که رییس جمهوری، مسیحی مارونی، رییس پارلمان شیعه و نخست‌وزیر باید سنی باشد.

پس از جنگ داخلی، در نشستی که در طائف عربستان برگزار شد طرفین به توافقی در باره آینده لبنان رسیدند. آنچه این روزها از جانب طرفداران سوریه در باره ادامه حضور اشغالگرانه نظامیان این کشور در لبنان عنوان می‌شود به توافق نامه طائف ربط داده می‌شود. این مساله بارها از سوی رهبر حزب الله و مقامات لبنانی و سوری مورد تاکید قرار گرفته است. در حالی که در طائف تصمیم گرفته شد که تعداد نمایندگان پارلمان به ۱۰۸ نفر افزایش یابد که به صورت مساوی میان مسلمانان و مسیحی‌ها تقسیم شود. در حالی که قبلاً تعداد نمایندگان پارلمان لبنان ۹۹ نفر بود.

در طائف بر تقویت نیروهای انتظامی، گسترش حاکمیت دولت بر سرتاسر خاک لبنان، برگزاری انتخابات پارلمانی استانی و برابری همه در مقابل قانون تاکید شده بود ولی ۲ مساله حایز اهمیت بود که متأسفانه نادیده گرفته شده است. **مساله اول**، خلع سلاح کلیه نیروهای شبه نظامی بود. در سال ۱۹۸۹ در طائف تصمیم گرفته شد که کلیه نیروهای شبه نظامی لبنانی و غیرلبنانی منحل شده و سلاح‌های آنها در اختیار دولت قرار بگیرد.

**مساله دوم**، در باره سوریه بود که اعلام شده بود بین لبنان و سوریه یک روابط فوق‌العاده برقرار است و به هر صورت لبنان اجازه نخواهد

داد این کشور، گذرگاه و یا اقامتگاه هر قدرت، دولت و یا سازمانی باشد که بخواهد امنیت سوریه را به خطر بیندازد. بر اساس توافق نامه طائف از سال ۱۹۸۹ صلح و آرامش در لبنان برقرار شد ولی سوری‌ها به حضور خود ادامه داده و شبه نظامیان نیز که از حمایت دمشق و دولت برخوردار بودند حاضر به خلع سلاح نشدند. در حالی که در طائف این دو مساله مورد تاکید قرار گرفته بود.

پا فشاری سید حسن نصرالله رهبر حزب الله بر حفظ سلاح و ادامه فعالیت نظامی به همراه حمایت و پشتیبانی از اشغال لبنان توسط ارتش و نیروهای اطلاعاتی سوریه می‌تواند اوضاع را در لبنان وخیم‌تر کرده و این کشور را به سوی یک جنگ داخلی ویرانگر سوق دهد.

وضعیت لبنان به کانون رقابت میان سوریه و اسرائیل تبدیل شده است. هروه شاپلیه نویسنده مجله فرانسوی نوول آیزواتور معتقد است که لبنان زندانی زیر پرده ولی جدی سوریه است. هم‌چنین از سال ۱۹۴۸ اسرائیل بارها اعلام کرده که اگر سوریه در کار لبنان دخالت کند، اسرائیل هم دخالت خواهد کرد. ولی امروزه مساله سوریه تا حدودی حل شده و این کشور ناگزیر است به خواسته مردم لبنان و جامعه جهانی تن بدهد اما آنچه تعجب برانگیز است ایستادگی حزب الله و جنیش امل در مقابل مردم لبنان است. در حالی که این دو سازمان برای آزادسازی کشورشان از اشغال بیگانگان شکل گرفته و سال‌ها نیز در این رابطه مبارزه کرده‌اند



## مردم لبنان مخالفت خود را با ادامه اشغال کشورشان اعلام کرده‌اند

اما متأسفانه حزب الله و امل پویایی و تحرک خود را از دست داده و به ابزاری در دست سوریه تبدیل شده‌اند. روشی که حزب الله در پیش گرفته علاوه بر این که از اعتبار این گروه در میان مردم لبنان می‌کاهد می‌تواند زمینه‌ساز جنگ داخلی ویرانگر دیگری شود که بار دیگر این سرزمین را به ویرانه‌ای تبدیل سازد.

سید حسن نصرالله در سخنانی که طی آن مخالفتش را با خلع سلاح حزب الله اعلام کرده خواستار اجرای توافق نامه طائف می‌شود در حالی که در سال ۱۹۸۹ در طائف بر سر خلع سلاح گروه‌های شبه نظامی توافق شده بود.

این یک واقعت انکارناپذیر است که سوریه و گروه‌های شبه نظامی، دیگر در لبنان جایی نداشته و باید این کشور را به حال خود رها سازند. هر چند قبل از ترور رفیق حریری شرایط برای مردم لبنان سخت و حاد تصور می‌شد ولی این حادثه لطمه‌ای اساسی به دمشق و متحدانش وارد آورده و پرده از روی جنایات آنها در لبنان برداشت.

اگر چه سید حسن نصرالله بر این مساله تاکید کرده که لبنان با سومالی، گرجستان و اوکراین فرق دارد ولی روند حوادث در این کشور و حتی سوریه در همان چیتی است که در جمهوری‌های قفقاز شاهد بودیم. مردم لبنان نمی‌خواهند کشورشان در دست کسانی باشد که تابع دمشق بوده و برای هر کاری از مقامات سوری دستور می‌گیرند. مقامات لبنانی متأسفانه نشان داده‌اند که اراده‌ای از خود نداشته و تابع فرماندهان نظامی و امنیتی سوریه در لبنان هستند. اگر سوریه از لبنان خارج شده و دخالت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی این کشور در لبنان خاتمه یابد، حزب الله، امل و دیگر دوستان سوریه نیز با مشکل مواجه خواهند شد زیرا این گروه‌ها که از حمایت خارجی برخوردار بوده و در سال‌های گذشته پایگاه مردمی خود را از دست داده‌اند قادر به ادامه حیات نبوده و باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند. لذا وقتی که این گروه‌ها به یک حزب و گروه سیاسی تبدیل شوند مشخص نیست که قادر به رقابت با دیگر گروه‌ها و احزابی شوند که از حمایت سنتی و خانوادگی در لبنان برخوردارند. روشی که حزب الله و امل در ماه‌های اخیر در لبنان پیش گرفتند لطمه‌ای اساسی به اعتبار آنها وارد آورده و فلسفه وجودی این دو گروه را زیر سوال برده است. زیرا این سوال مطرح می‌شود که چگونه آنها بر خلاف منافع ملی و تمامیت ارضی کشورشان از اشغال لبنان توسط بیگانگان حمایت کرده و برای اشغالگران کشورشان هورا می‌کنند؟!